

گنجینه‌های ادب

خالق زنان کوچک



لوئیزامی الکات
زاده ۲۹ نوامبر ۱۸۳۲
میلا، رمان‌نویس
آمریکایی.

پدر آلکوت آموزگار مدرسه دینی و امور خیریه بود و خانواده فقیری را اداره می‌کرد. وی که پدرش را به شدت دوست داشت، برای کمک به خانواده‌اش از همان نوجوانی به کار خدمتکاری و معلمی سرخانه مشغول شد و اولین اثرش را در ۱۶ سالگی نوشت. بعدها نیز برای کسب درآمد بیشتر، داستان «رمان و آثار بازاری نوشت. مشهورترین اثر وی «زنان کوچک» بود که آن را در سال ۱۸۶۸ نوشت و به دنبال موفقیت و استقبال مردم از آن، سه اثر دیگر به نامهای همسران خوب، مردان کوچک و پسران جانشین نوشت.

کتاب زنان کوچک در سال اول انتشار، بیش از ۶۰ هزار نسخه فروش داشت. این کتاب، همچنان به چاپ می‌رسد و خریدار دارد.

زندگی آلکوت از جهات بسیاری شبیه زندگی شخصیت جوزفین در مان زنان کوچک است.

وی در ۶ مارس ۱۸۸۸ درگذشت. جملات زیر از این نویسنده است:

- یکی از خاصیت‌های عشق، زیباتر کردن انسان است.

- مادریایی که دختر دارند، باید جسمانی تیزبین و زبانی محتاط داشته باشند.

- من هرگز نمی‌دانستم وقتی دو نفر این‌طور همدیگر را بیپرستند و برای خاطر یکدیگر زنده باشند، همین دنیای خودمان هم می‌تواند شبیه به بهشت باشد.

- یک دوست وفادار تکیه‌گاه قوی است؛ و کسی که او را یافت، گنجینه‌ای پیدا کرده‌است.

کافه داستان

ترک‌های عمیق...



فاطمه زردشتی نی‌ریزی

گره پشت روسری‌اش را محکم کرد و همانطور که با سیم ظرفشویی به جان قابلمه رنگ و رورفته افتاده بود، زیرچشمی نیم‌نگاهی به مرد انداخت که توی درگاه با وازلین مشغول چرب کردن ترک‌های عمیق دستهایش بود...

... کارگری‌ام شد کار؟ یا روز کار هس، دو روز نیس... زمستونام که دیگه قریونش برم بدتر از تابستون.

یه روز برفه، یه روز بارونه، یه روز یخبندونه... یه روز کوفته، یه روز زهرماره... شیر آب را باز کرد و تندتند مشغول آب کشیدن ظرفها شد...

... میدونی چیه؟ بحث عرضه و جنمه... مردای مردم رو ببین... عرضه دارن؛ جربزه دارن... خونه میخرن. ماشین عوض میکنن، نمیدارن هیچی تو دل زن و بچشون بمونه...

شیر آب را بست و کهنه‌ی نم‌دار را روی گاز

یک فغان شعر

سهم من از آسمان...

نسترن سفری

سهمم از آسمان را در چمدانم گذاشته‌ام دیگر دلم از بی مهری ماه نمی‌گیرد وقتی خورشید همراه من است...

کافه پاراگراف

● اگر به آدم بزرگ‌ها بگویید من خانه‌ی قشنگی دیدم که به آخر فرمز ساخته شده بود، لب پنجره‌اش بر از گل‌های شمع‌دانی بود و روی باشم پر بود از کبوتر، نمی‌توانند زیبایی آن خانه را در ذهن خود مجسم کنند. باید به آدم بزرگ‌ها بگویید: خانه‌ای دیدم که صد هزار فرانک قیمت داشت؛ در این صورت آن‌ها با صدای بلند خواهند گفت: وای چه خانه‌ی قشنگی بوده است.

شازده کوچولو دوست‌اگزوبری

● زن‌ها همیشه مادرند و مردها بچه... مثلاً فرهاد، مجنون، پادشاه، شاعر، من، هرکس که باشد همیشه دلش می‌خواهد یک زن در زندگی‌اش باشد که مدام پیش رسیدگی کند و مراقبش باشد. می‌گویند پشت سر هر مرد بزرگی یک زن ایستاده، اما پشت سر هیچ‌زنی، هرگز مردی نیست.

سال بلوا عباس معروفی

زین قندپاری

غلط‌های متداول در زبان فارسی



از دیدگاه استاد حسن عمید

فصح (فتح) جمل طَلَل (به تعجب!) به معنی موضع مرتفع و آثار ساختمان و عمارت و باقیمانده بنای قدیمی است.

استعمال هر یک از این دو لغت به جای دیگری غلط است.

برگرفته از: عمید، حسن (بی‌تا) غلطهای فاحش فرهنگی فارسی به علاوه غلطهای مشهور و متداول، تهران: انتشارات کتابخانه گوتنبرگ، ص ۱۱۱.

برگی از تاریخ

نگاهی به انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه

مجلس عام طبقاتی فرانسه تشکیل می‌شود

بخش دوم

مردم خواهان قانونی شدند که حقوق ملت در برابر پادشاه و دولت را تأیید و آزادی‌های فردی را تضمین کند. تدوین و تصویب قانون اساسی، برگرفته از نظریات صاحب‌نظرانی مانند ژان ژاک روسو، منتسکیو، جان لاک و... بود.

انتخابات انجام شد و ۱۱۳۹ نماینده راهی مجلس عام طبقاتی شدند: ۲۹۱ نماینده از روحانیون، ۲۷۰ نماینده از اشراف و ۵۷۸ نماینده از طبقه سوم.

در مراسم افتتاح این مجلس اعضای هر سه طبقه، جداگانه به همراه پادشاه و ملکه در خیابان‌های آذین‌بندی شده پاریس از کلیسای «نوتردام» تا کلیسای «سن لویی» راهپیمایی کردند. علاوه بر مردم پاریس، بسیاری از مردم دیگر شهرها هم برای تماشای این مراسم به پاریس آمده بودند.

مردم به نمایندگان طبقه اشراف و طبقه روحانیون توجهی نکردند اما نمایندگان طبقه سوم را به شدت تشویق کردند و هنگام عبور آنها کف زدند و فریاد زنده‌باد پادشاه سر دادند.

مسئله مهمی که نمایندگان طبقه سوم مطرح کردند این بود که به جای اینکه هر طبقه یک رأی داشته باشد هر نماینده یک رأی داشته باشد؛ چون در غیر این صورت افزایش دو برابری طبقه سوم در مجلس عام طبقاتی بی‌نتیجه بود و نظر اشراف و روحانیون بر کرسی می‌نست. افرادی چون «ماکسیمیلیان روبسپیر» و «کنت دو میرابو» بعد از پیروزی انقلاب جزو سران قرار گرفتند که از نمایندگان طبقه ۳ بودند.

در شماره آینده به مباحث این مجلس خواهیم پرداخت.

پارلمان نیز طرح اصلاح مالیاتی نخست‌وزیر را رد کرد.

شاه تمام اعضای پارلمان را تبعید کرد. توده مردم (طبقه سوم) که این طرح به نفع آنها بود در حمایت از اعضای پارلمان که از طبقه اشراف بودند، در پاریس دست به شورش زدند. این نماد ناآگاهی و سادگی توده مردم بود.

علاوه بر عامل بالا، عامل دیگری که موجب شعله‌ور شدن جرقه‌های انقلاب شد تورم شدید ۵۰ درصدی بود که از ۹ سال قبل شروع شده، شاه دست به کار شد. نخست‌وزیر دام‌گیر اقتصاد فرانسه شده بود. وام‌های دولت زیاد و کسری بودجه غیر قابل تحمل بود.

برای برون رفت از مشکلات اقتصادی ذکر شده، شاه دست به کار شد. نخست‌وزیر برنامه مالیاتی جدیدی وضع کرد. بر پایه این برنامه معافیت‌های مالیاتی طبقه ۲ درصدی کاهش می‌یافت، تجارت گندم آزاد می‌شد، بزرگ مالکان کشاورزی باید مالیات اراضی خود را بدهند و حق بیگاری (کار بی مزد یا بسیار کمتر از مزد واقعی) لغو شود.

«مجلس محترمین» با این برنامه مخالفت کرد.

اعضای این مجلس همه از طبقه اشراف و روحانیون یعنی همان دو درصد بودند. «کالون» نخست‌وزیر این برنامه را به «پارلمان» برد.

فرانسه قبل از انقلاب دارای پارلمان به معنای مجلس شورا یا مجلس سنا نبود؛ جمعی که جایگاه قضایی داشته و به اختلافاتی که یک طرف آن دربار بود رسیدگی می‌کرد، پارلمان نامیده می‌شد. این جمع قضایی، دادگاه تجدیدنظر برای پرونده‌های قتل هم محسوب می‌شد. چنین پارلمان یا مجموعه قضایی در شهرهای بزرگ فرانسه هم وجود داشت.

مجلس عام طبقاتی» انتخاب کردند و به درخواست پادشاه پیشنهادت خود را هم در ۵۰ هزار دفترچه به وسیله نمایندگان به مجلس فرستادند. به این دفترچه‌ها، «دفترچه شکایات» می‌گفتند.

عمده درخواست‌ها شامل: پایبندی به نظام سلطنت، لغو حقوق فئودالها، مساوات در برابر قانون، پایان بی‌عدالتی‌ها و از همه مهم‌تر تدوین قانون اساسی می‌شد.



ماجراهای من و بی‌بی روغنار گزوشته پشت یخچالو

میگم نیس، ققط شده اصلاً... بی‌بی عصایش را برد بالا و گذاشت روی سینه من هاشم... میگم روغن ماخا... میدی ماخا... من هاشم عقب عقب رفت و کمی بعد سکوت را شکست... -وووووووی بی‌بی خوب شد گفتم، داش یازم می‌رف، ای پسر مراد روغنار گزوشته اینجا پشت یخچالو... منم خو نه چشم ضعیف شده، اصن ندیدم مشون. یکی از روغن‌ها را برداشت و گذاشت جلوی بی‌بی... -بفرمای بی‌بی، ایم خدمت شما... از در که آمدیم بیرون بی‌بی گفت: - یاد گرفتی گلابی، ایطو بویه حقهت بسونیه!

- پشوو، پوشو گلابی اصلاً با هم بیریم، بی‌بی یکی یکی مشغول واریسی‌شان شد. -نیه کوروغن؟ -نگرفتم بی‌بی، ینی هر جا رفتم نداشتن... بی‌بی اخم‌هایش رفت توی هم... -وووووی دختر، ینی چی میگه، میشه؟ می‌فقطه؟ می‌جنگه؟ -چی بگم بی‌بی چون؟ نمیشه حرف بزنی که... نداشتن دیگه، نیس... بی‌بی چادرش را انداخت روی سرش... -میرم اینجا سر کوچه آ مش هاشم ینی شیشی روغنی بسونم بیام، میه میشه وائشه؟ ظر با چی چی ای سبب‌زمینیا ر سرخ کنم؟ با پیچی جون تو؟ بی‌بی جون شما که هر چی بگم باز میری، ولی من الان رفتم، اونم نداشت... بی‌بی چپ‌چپ نگاهم کرد...

کلاتون

ماجرای تبعه غیرموجاز میلیاردرهای موفلس



از طرفی پریشانی‌مان کمتر است؛ چون خانه‌مان تنها کاهگل می‌خواهد و دوجرخ‌خام هم نه روغن می‌خورد و نه لنت و دیسک و واشر می‌خواهد؛ همیشه هم با همان کفاورسی (کفش) تورموز می‌کوم.

دیگر ارزانی در این ولایت آرزویی دست پیدا نکردنی شده. از شوخی که گوذر کنیم، من هر روز برای ارزانی و رهایی مردم این ولایت از گرانی دعا می‌کوم؛ کار دیگری هم از دستم بر نمی‌آید. مثال معاون اول ارباب این ولایت که گفته بود: «برای ارزانی دعا گویند.» بی‌نظم من هم باید یک کاره این ولایت می‌شدم؛ چون زودتر از او بی‌این نتیجه رسیده بودم.

نجیب



شهرت

لنگ‌لنگان می‌روم من باخر خود شاد شادم
می‌زنم‌هی حرف حق را، هرچه یاد، هرچه باد
سال پنجم / شماره: ۲۴۵
یکشنبه ۲۱ دی ۱۳۹۹
قیمت: ۲۰۰۰ قرون

روزنومه خونی قل‌مراد

یارانه تخم مرغی / لنگ به جای لباس / و خبرهای دیگر

● وزیر علوم: ایران رتبه پنجم پژوهش‌های کلیدی و دوم رشد علم جهان را دارد! ایرنا

● **قل‌مراد:** من الان از نگرانی برای مردم دل‌درد گرفتم. واقعاً اونا که تو رشد علم از ما عقب موندن چه وضعی دارن؟! مردمش چجوری زندگی می‌کنن؟! چه ماشینیایی سوار میشن؟! من تا دیربوز فکر می‌کردم دیگه بدبخت‌تر از ما تودنیوا وجود نداره.

میگم راستی برای ارزآوری، پیشنهاد میکنم به دانش‌آموزای فنلاندی و آلمانی و فرانسوی و ژاپنی و آمریکایی اجازه بدن بیان تو کنکور ما شرکت کنن تو دانشگاه‌ها پذیرفته بشن. واقعاً خیلی خوبه. تازه میتونن قبل از کنکور تو آزمون مؤسسات آموزشی مثل قلم‌چی و گاج شرکت کنن. حساب کن چقدر ارزآوری داره.

● مسئول سازمان حمایت: مردم جای مرغ، ماهی بخورند. طوری فرهنگ سازی شده که مردم همه مرغ مصرف می‌کنند، در حالی که می‌توانند از ماهی استفاده کنند که ارزش غذایی آن خیلی بیشتر از مرغ است.

نایب رئیس اتحادیه باغداران تهران در پی گران‌ی موز: خاصیت سیب به مراتب بالاتر از موز است. مردم بهتر است به جای موز، سیب بخورند.

● **قل‌مراد:** چه مسئولین نازنینی داریم ما. در همین راستا اینجانب هم پیشنهاداتی دارم: به جای پوشک بچه، دستمال ببندید. به جای خودرو، خرسواری کنید. (اینجانب از خرسواری چه‌ها دیده‌ام که میرس) به جای خانه در چادر مسافرتی یا کانکس زندگی کنید. به جای گوشت، سویا بخورید. به جای تخم مرغ، تخمه بخورید. به جای لباس، می‌یزیم می‌خوریم. والله اگر دنیا آخر بشود.

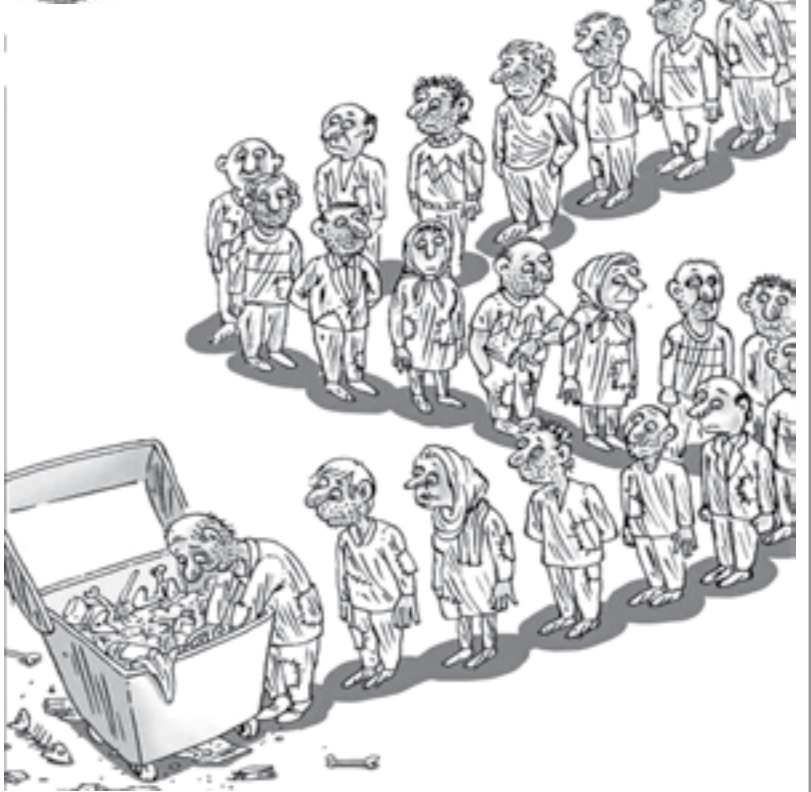
● صدا و سیما: قیمت تخم‌مرغ از یارانه ماهانه سبقت گرفت.

● **قل‌مراد:** خوب شد اتفاقاً. از همین تاریخ به بعد مینای ما به جای مبلغ ۴۵/۵۰۰ تومن به‌ازای هر نفر، بشه به‌صفحه تخم‌مرغ. در این صورت ما میریم با شماره ملی، تخم‌مرغ ماه رو تحویل می‌گیریم. اینطوری والله بهتره. اونوقت هر چی تخم‌مرغ گرون می‌شه به جای این که دلمون بلرزه، خوشحال هم میشیم که پارنمون داره ارزش پیدا می‌کنه. تازه ما میتونیم به چند تا مرغ خونگی هم بگیریم تا برامون یارانه رنگی بذارن سهمیه ماهانه پارنمون رو افزایش بدیم.

من بشخصه حاضرم هر روز برم کنار گله مرغی بشینم دستم رو بگیرم زیر پای مرغام و یارانه بگیرم.

به مهمونام که تعارف میکنیم میگیم: حالا دور هم به یارانه می‌یزیم می‌خوریم. دیگه من که موافقم.

گارتون هفته



شعردونی

شعری از بر و بیخ انجمن طنز شهر شیراز
با تشکر از ابراهیم خان زهری عزیز

در زمستانی که بارانی نداشت
دختری یک چکمه زیبا خرید
دخترک در انتظار برف ماند
روزها در حسرت باران نشست
در خیال برف و باران روز و شب
از هوا و آسمان شد نامید
هر کشاورزی که این اوضاع دید
لاجرم دختر زینش باز شد
ای خدای رحمت و باران و برف
با تو می‌گویم چنین گفتار و حرف
لااقل بر چکمه پوشان کن نظرا